

فراتر از خبر

تقابل ایران و آمریکا؛ آیا جنگ نفتکش‌ها در حال تکرار است؟

سعید جعفری

۱۰ دقیقه پیش



Norbert Schiller (AFP)

آتش‌سوزی در کشتی ۸۵ هزار تنی «نورمن آتلانتیک» با پرچم سنگاپور که در سال ۱۳۶۶ در جریان جنگ نفتکش‌ها هدف حمله یک ناوشکن ایرانی قرار گرفت

حملات تازه ایران و آمریکا به نفتکش‌ها و ناوها، برای بسیاری از ایرانیان خاطرات سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق و درگیری‌هایی را که به «جنگ نفتکش‌ها» شهرت یافت، زنده کرده است.

ارتش آمریکا در پنجم سپتامبر سه نفتکش ایرانی را پس از شلیک موشک‌های سپاه پاسداران به دو ناو آمریکایی هدف قرار داد؛ پاسخ تهران چندان طول نکشید و سپاه اعلام کرد سه نفتکش و سه شناور مرتبط با آمریکا را هدف گرفته است. چند روز بعد، ایالات متحده پنج نفتکش دیگر ایران را هدف قرار داد و این بار تهران گفت به ده شناور در منطقه و همزمان به یک پایگاه آمریکا در اردن حمله کرده است.

روز ۱۳ سپتامبر نیز یک شناور باری ایرانی در نزدیکی قشم هدف قرار گرفت؛ مقام‌های ایرانی گفتند یک نفر کشته و چهار نفر زخمی شدند و عامل حمله را «دشمن تروریست» خواندند، در حالی که آمریکا مسئولیتی برای این حمله نپذیرفت.

این رفت و برگشت در فاصله چند روز، نفتکش‌ها را دوباره به یکی از میدان‌های اصلی تقابل ایران و آمریکا تبدیل کرد.

حدود چهار دهه قبل و در سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق، حمله به کشتی‌های تجاری به تدریج از بخشی از جنگ تهران و بغداد به بحرانی تبدیل شد که پای ناوهای آمریکایی را به منطقه باز کرد و سرانجام به یکی از جدی‌ترین درگیری‌های دریایی میان ایران و ایالات متحده انجامید.

بیشتر در این باره:

منطق حملات جدید ایران و آمریکا؛ فشار بیشتر یا بازگشت به جنگ؟



جنگی که از نفت به دریا کشیده شد

حمله به کشتیرانی مرتبط با ایران از سال‌های نخست جنگ ایران و عراق آغاز شده بود، اما از سال ۱۹۸۴، برابر با ۱۳۶۳ خورشیدی، شدت آن به شکل محسوسی افزایش یافت. عراق برای محدود کردن درآمد نفتی ایران، کشتی‌هایی را که به بنادر و تأسیسات نفتی کشور رفت و آمد می‌کردند هدف قرار می‌داد و حملات به خارگ، مهم‌ترین پایانه صادراتی ایران، نیز افزایش یافت. ایران در واکنش به سراغ کشتی‌های مرتبط با کشورهای عربی حامی عراق، به‌ویژه کویت و عربستان سعودی، رفت.

محمد قائدی، مدرس علوم سیاسی در دانشگاه جورج واشینگتن، معتقد است منطق ایران در آن دوره شباهت قابل توجهی با محاسبه‌ای دارد که امروز در تهران دیده می‌شود.

او در این خصوص به رادیو فردا می‌گوید: «در دهه ۶۰ خورشیدی ایران می‌خواست این معادله را برقرار کند که اگر صنایع نفتی‌اش توسط عراق مورد حمله قرار گیرد و نتواند نفتی صادر کند، کشورهای عربی دیگر، به‌ویژه کشورهای حامی عراق هم نتوانند نفت صادر کنند یا صدور نفتشان بدون هزینه نباشد».



↓ لینک مستقیم ✓

↗ بازکردن در پنجره جدید

اتفاقی که در نهایت به ورود ایالات متحده برای دفاع از نفتکش‌های این کشورها و همچنین شکل‌گیری یک تنش دریایی با ایران انجامید. با افزایش حملات، کویت در سال ۱۹۸۷ از قدرت‌های خارجی برای حفاظت از نفتکش‌هایش کمک خواست. آمریکا تعدادی از نفتکش‌های کویتی را با پرچم خود ثبت کرد و عملیات «ارنست ویل» برای اسکورت آن‌ها در خلیج فارس آغاز شد. نخستین کاروان هنوز مسیر زیادی طی نکرده بود که نفتکش بریجتون در ژوئیه همان سال با مین برخورد کرد. طی ماه‌های بعد برخورد میان نیروهای آمریکایی و ایرانی شدیدتر شد و آمریکا علاوه بر اسکورت کشتی‌ها، مستقیماً اهداف ایرانی را نیز مورد حمله قرار داد.

در آوریل ۱۹۸۸، برخورد ناو آمریکایی «ساموئل بی رابرتس» با یک مین ایرانی نقطه دیگری در تشدید تنش بود. چهار روز بعد نیروی دریایی آمریکا عملیات «Praying Mantis» را اجرا کرد؛ عملیاتی که سکوها، نفتی و چند شناور ایرانی در آن هدف قرار گرفتند و بخش قابل توجهی از توان عملیاتی نیروی دریایی ایران آسیب دید. کمتر از سه ماه بعد نیز ناو وینسنس پرواز ۶۵۵ ایران‌ایر را سرنگون کرد و تمام ۲۹۰ سرنشین آن کشته شدند.

ایران در ۱۷ ژوئیه همان سال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را اعلام کرد و آتش‌بس حدود یک ماه بعد اجرایی شد. تصمیم تهران در شرایطی گرفته شد که ایران همزمان با عقب‌نشینی‌هایی در جبهه زمینی، افزایش توان عراق و فشارهای اقتصادی و نظامی بیشتری روبه‌رو بود و درگیری مستقیم با آمریکا در خلیج فارس نیز به مجموعه این فشارها اضافه شده بود.

محمد فارسی، ناخدای پیشین نیروی دریایی ارتش ایران، می‌گوید شدت گرفتن برخوردهای دریایی امروز برای او یادآور آن دوره است، هرچند تأکید دارد تفاوت‌ها با سال‌های پایانی دهه ۶۰ خورشیدی هم جدی است.

آقای فارسی در گفت‌وگو با رادیو فردا در این خصوص می‌گوید: «احساس می‌کنم روند درگیری بین ایران و آمریکا خیلی شدت پیدا کرده و تقریباً داریم به چیزی مشابه سال ۱۹۸۸، یعنی جنگ نفتکش‌ها، نزدیک می‌شویم؛ ولی این بار فرق می‌کند چرا که ایران هنوز امکانات تهاجمی دارد، امکان حمله به کشتی‌های نفتکش دارد و حتی فراتر از آن به ناوهای جنگی آمریکا حمله می‌کند. من واقعاً وضعیت را بسیار خطرناک می‌بینم».



↓ [لینک مستقیم](#) ✓

↗ [بازکردن در پنجره جدید](#)

همان منطق، با ابزارهای متفاوت

نفت به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد ایران همواره نقش کلیدی در اداره کشور برعهده داشته و در طول دهه‌های اخیر، بیشتر فشارها برای وادار کردن جمهوری اسلامی به تغییر سیاست‌ها هم با همین ابزار صورت گرفته است. مقام‌های جمهوری اسلامی در طول دهه‌های اخیر همواره این تهدید خود را تکرار کرده‌اند که اگر نتوانند به صورت آزادانه نفت خود را به مشتریان بفروشند، سایر کشورها هم از این امتیاز محروم خواهند بود.

روایتی که حالا دوباره در ادبیات تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی شنیده می‌شود. آقای قاضی در این خصوص می‌گوید: «منطق ایران این است که اگر نتواند نفت صادر کند، نفت کشورهای عربی هم باید با محدودیت بیشتری صادر شود، اگرچه در مورد عراق و قطر استثناهایی گاه قائل شده، اما قاعده کلی ایجاد محدودیت برای صدور نفت کشورهای دیگر خلیج فارس است و این شباهت عمده امروز با جنگ نفتکش‌های دهه ۶۰ است».

این وضعیت باعث شده تا درگیری‌ها و حملات نفتکشی ایران و آمریکا به بالاترین سطح برسد و حالا نگرانی‌ها از انتقال سریع این تنش از دریا به پایگاه‌های آمریکا در منطقه و زیرساخت‌های انرژی کشورهای

دیگر شدت یافته است.

قائدی این رفت و برگشت را تلاشی دوطرفه برای تحمیل یک قاعده جدید می‌داند و می‌گوید: «طرفین از نردبان تنش در پاسخ به یکدیگر پله به پله بالاتر رفتند. در نهایت ایران در پاسخ به حمله به پنج نفتکش، ده نفتکش و شناور و همچنین پایگاه آمریکا در اردن را هدف قرار داد. یعنی همان چیزی که مقام‌های ایرانی می‌خواستند و درباره‌اش صحبت هم می‌کردند؛ یعنی پاسخ نامتقارن ایران به حملات و فشارهای آمریکا. اقدامی که با این هدف صورت می‌گیرد که هزینه ایالات متحده در حمله به نفتکش‌ها بالا رود».

دنی سیتزینوویچ، رئیس پیشین بخش ایران در واحد پژوهش اطلاعات نظامی اسرائیل، معتقد است تهران از قبل مجموعه‌ای از گزینه‌های تلافی‌جویانه آماده کرده و هدفش این است که راهبرد «نفتکش در برابر نفتکش» را برای آمریکا به تدریج پرهزینه‌تر کند. به ارزیابی او، افزایش فشار تا این‌جا به عقب‌نشینی ایران منجر نشده و در مقابل با افزایش سطح پاسخ تهران همراه شده است.

سیاستی که البته مشخص نیست تا چه اندازه می‌تواند به هدف واقعی‌اش یعنی عقب‌نشاندن طرف مقابل بینجامد و برخی از ناظران استدلال می‌کنند که امکان خارج شدن اوضاع از کنترل در چنین قماري که هم ایران و هم آمریکا در دستور کار خود قرار داده‌اند بسیار جدی است.

بیشتر در این باره:

تحلیلگر اوراسیا: ایران منافعی در افزایش تنش با آمریکا دارد



چه کسی زودتر عقب می‌کشد؟

بررسی سیاست‌ها و اظهارنظرهای مقام‌های ایرانی این گمانه را تقویت می‌کند که آن‌ها بر اعمال فشار بر طرف مقابل با هدف افزایش هزینه‌ها و در نهایت عقب‌نشینی از این مناقشه حساب کرده‌اند. در چنین شرایطی محاسبه تهران تا حد زیادی به این بستگی دارد که مقام‌های ایرانی ظرفیت آمریکا برای ادامه این چرخه را چگونه ارزیابی کنند. هزینه رهگیرهای دفاع هوایی، فاصله جغرافیایی، افزایش قیمت نفت و نزدیک شدن انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا از عواملی هستند که به گفته قائدی در این محاسبه نقش دارند.

او در توضیح بیشتر این امر می‌گوید: «ما باید ببینیم آمریکا و ایران کدامیک در این بالا رفتن از نردبان تنش تردید به خرج می‌دهد و پلک می‌زند. درک مقام‌های ایرانی این است که آمریکایی‌ها محدودیت‌های متعددی دارند؛ از دوری جغرافیایی گرفته تا گران بودن هزینه جنگ برایشان و به خصوص موشک‌های رهگیر و محدودیت تعداد این موشک‌ها».

برآوردهای مستقل نیز از کاهش برخی رهگیرهای آمریکایی در ماه‌های جنگ خبر داده‌اند، هرچند میزان دقیق موجودی و مصرف آن‌ها علنی نیست. در سوی مقابل، ادامه محاصره، فشار بر اقتصاد ایران را بیشتر می‌کند؛ وضعیتی که گریگوری برو، تحلیلگر مسائل ایران و انرژی، آن را رقابتی می‌داند که در آن آمریکا اقتصاد ایران را به بحران نزدیک‌تر می‌کند و ایران تلاش می‌کند هزینه آن را از طریق بازار جهانی نفت بالا ببرد.

تا ۱۴ سپتامبر، همچنان وضعیت در تنگه هرمز حتی نزدیک به دوران پیش از جنگ هم نشده و داده‌های اولیه رهگیری کشتی‌ها نشان می‌دهد تردد شناورهای کالایی در آخر هفته دوباره به کمتر از میانگین

ده‌روژه ۱۴ عبور در روز رسیده؛ در حالی که پیش از جنگ حدود ۱۲۵ شناور بزرگ تجاری روزانه از تنگه عبور می‌کردند. قیمت برنت هم امروز دوباره به حدود ۱۰۸ دلار در هر بشکه رسیده است.

آیا ۱۳۶۷ می‌تواند تکرار شود؟

شدت گرفتن درگیری‌های دریایی بار دیگر مقایسه با سال ۱۳۶۷ را مطرح کرده است؛ سالی که فشار آمریکا در خلیج فارس با عقب‌نشینی‌های ایران در جبهه زمینی و مشکلات اقتصادی و نظامی همزمان شده بود. امروز اما مقام‌های جمهوری اسلامی همچنان از توان افزایش سطح پاسخ سخن می‌گویند و محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، نیز از «راهبرد جدید» ایران در میدان نظامی، دیپلماسی و مقابله با محاصره صحبت کرده است.

فارسی به همین دلیل معتقد است هنوز نمی‌توان وضعیت فعلی را معادل ماه‌های پایانی جنگ ایران و عراق دانست: «ایران هنوز به آن نقطه نرسیده است، چون هنوز امکانات تهاجمی دارد. در آن زمان جنگ ما فقط با عراق بود و از نظر نیروی دریایی وضعیت متفاوتی داشتیم. حمله به کشتی‌های نفتی بود که آمریکا را وارد درگیری کرد. من آن وضعیت را امروز نمی‌بینم؛ ایران هنوز امکان حمله به نفتکش‌ها را دارد و حتی فراتر از آن به ناوهای جنگی آمریکا حمله می‌کند».

با این حال، آقای فارسی ادامه این مسیر را بدون بازگشت به یک روند سیاسی بسیار خطرناک می‌داند: «اگر در نهایت ایران و آمریکا با میانجی‌گری کشورهای همسایه و دوست دوباره به میز مذاکره بنگردند، عاقبت این وضعیت بسیار خطرناک خواهد بود. ایران ممکن است آسیب بسیار سنگینی ببیند و در عین حال آمریکا هم با استراتژی که پیش گرفته لزوماً به نتیجه‌ای که می‌خواهد نمی‌رسد».

در دهه ۶۰، گسترش حملات به نفتکش‌ها به تدریج ایالات متحده را از اسکورت کشتی‌ها به درگیری مستقیم با ایران کشاند. این بار آمریکا از قبل یکی از طرف‌های جنگ است و نفتکش‌ها به یکی از میدان‌های این رویارویی تبدیل شده‌اند. تقابل و تخاصمی که همچنان نشانه‌ای از فروکش کردن در آن دیده نمی‌شود و چشم‌انداز پیش‌رو هم مبهم به نظر می‌رسد. نه تنها تردد در تنگه هرمز همچنان بسیار پایین‌تر از شرایط عادی است، که نشست برنامه‌ریزی‌شده در عمان برای گفت‌وگوی ایران و کشورهای خلیج فارس دوباره ترتیبات تنگه نیز به تعویق افتاده است.

هنوز معلوم نیست تهران یا واشینگتن کدامیک زودتر به این نتیجه می‌رسد که ادامه این رفت‌وبرگشت از عقب‌نشینی پرهزینه‌تر است اما دست‌کم فعلاً به نظر می‌رسد محتمل‌ترین سناریو، شدت‌گیری تنش‌هایی باشد که همین حالا هم ایران، منطقه و فراتر از آن را با هزینه‌های قابل توجهی رو به رو کرده است.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

ایران